



بررسی عوامل ترک تحصیل و راهکارهای این معضل اجتماعی

شایسته سادات مهیمنی^۱، شقایق اکبری^۱، مریم جعفری^۱، مائده چترایی^۱، محبوب راغبی^۱

۱-دانشگاه شهید چمران، ایران، اهواز

چکیده

یکی از این پارامترهای تاثیرگذار و مهم مخصوصاً در کشور ما داشتن مدارج علمی عالی است که همان تحصیلات یا داشتن سواد آکادمیکی و دانشگاهی می باشد. برای داشتن موقعیت شغلی و حتی زندگی خوب و تشکیل یک خانواده بعضاً مشاهده می شود که تحصیلات افراد مورد توجه و افرادی که از سطح دانش و مدرک تحصیلی بالایی برخوردار هستند امتیازات بالاتر و موقعیت های بیشتر و زندگی موفق تری خواهند داشت. معضل اجتماعی ترک تحصیل یکی از بارزترین و اساسی ترین مشکلات و گاهاً مصیبت های روز جامعه هست و این مقاله با تلاش دانشجویان مشاوره بصورت توصیفی-تحقیقی گردآوری شده است و در آخر راهکارهایی تخصصی نیز ارائه گردیده است و بطور کلی به پارامترهای مهم و اصلی ترک تحصیل پرداخته ایم.

کلید واژگان: ترک تحصیل، پیامد، معضل اجتماعی، جایگاه اجتماعی



مقدمه:

جایگاه اجتماعی یکی از مولفه هایی است که همه انسان ها به نحوی در طلب آنند، نظم اجتماعی براساس جایگاه اجتماعی انتسابی یا اکتسابی افراد مشخص میشود و بسیاری از تعارضات ارتباطی نتیجه نقض و بی توجهی به جایگاه اجتماعی پنداشته میشود. عوامل زیادی در بدست آوردن منزلت اجتماعی و توجه دیگران موثر هستند همانند موقعیت شغلی مناسب، داشتن مدارج علمی خوب، ثروت، شهرت و غیره..

یکی از این پارامترهای تاثیرگذار و مهم مخصوصا در کشور ما داشتن مدارج علمی عالی است که همان تحصیلات یا داشتن سواد آکادمیکی و دانشگاهی می باشد. برای داشتن موقعیت شغلی و حتی زندگی خوب و تشکیل یک خانواده بعضا مشاهده می شود که تحصیلات افراد مورد توجه و افرادی که از سطح دانش و مدرک تحصیلی بالایی برخوردار هستند امتیازات بالاتر و موقعیت های بیشتر و زندگی موفق تری خواهند داشت. حال چه پارامترها و دلایلی باعث می شود تا افراد انگیزه ای برای ادامه تحصیل خود و یا چه شرایط و مسائلی باعث می شود که تحصیل خود را نیمه کاره بگذارند سوال اصلی ما در این پژوهش می باشد.

این پژوهش برپایه ی توصیفی-تحلیلی و اطلاعات و تحقیقات بدست آمده بصورت گردآوری و یکپارچه سازی مطالب می باشد. وقتی صحبت از ترک تحصیل می شود یعنی رها کردن مقطع و دوره تحصیلی قبل از اتمام آن و گرفتن مدرک و دانشنامه می باشد. جامعه مورد بحث و پژوهش ما دانش آموزان یعنی سطح آموزش و پرورش و دانشجویان یعنی سطح آموزش عالی و وزارت علوم هستند که در واقع از ابتدای دبستان تا مقطع دکتری را شامل می شوند و در این پژوهش جنسیت مطرح نبوده و موضوع اصلی پرداختن به این معضل اجتماعی است. ترک تحصیل افراد نه تنها برای فرد بلکه برای خانواده و همچنین جامعه زیان بار بوده؛ در نتیجه پیامدهای بلند مدتی خواهد داشت. به همین دلیل لازم دانستیم که این پدیده را از همه زوایا بررسی و واکاوی نماییم و در آخر راهکارهایی نظری و عملی ارائه و نتیجه گیری کنیم. البته برای جلوگیری از این مسئله نیاز به ریشه یابی های دقیق کارشناسی و تشکیل کمیته های تخصصی در جهت حل این مسئله است.

عوامل اقتصادی:

یکی از مهمترین عوامل موثر بر ترک تحصیل، عامل اقتصادی است به طوری که می توان گفت بین میزان توانمندی اقتصادی خانواده ها و دسترسی آنها به تحصیل یک رابطه مستقیم وجود دارد. بررسی ها نشان می دهد با کاهش قدرت خرید خانواده ها در اثر فقر، تورم، گرانی یا بیکاری، چیزی که از لیست هزینه ها کم می شود هزینه آموزش است. در مناطق محروم، روستاها و مناطق عشایری، خانواده ها به خاطر فقر و محرومیت، به کودکان به عنوان نیروی کار می نگرند و تعداد بیشتری از کودکان در این مناطق از تحصیل محروم می شوند. سایر عواملی که در ادامه مطرح می شود حول محور عوامل اقتصادی شکل می گیرد (3).



حق برخورداری از تحصیل رایگان و با کیفیت یکی از حقوق پایه‌ای است که قوانین و برنامه‌های ملی و بین‌المللی بر آن تاکید دارند. با وجود این قوانین و سیاست‌ها، سالانه تعداد زیادی کودک در جهان و ایران، از مدرسه رفتن باز می‌مانند و از تحصیل محروم می‌شوند. بی‌شک برای کاهش میزان ترک تحصیل کودکان بایستی ریشه‌ها، علل و سازوکارهای طرد کودکان از چرخه تحصیل را مورد بررسی قرار داد (5).

بی‌بضاعتی و فقر مالی در بسیاری از خانواده‌ها باعث ترک تحصیل کودکان و نوجوانان و وارد شدن زودتر از موعد آنها به بازار کار می‌شود. منظور از ترک تحصیل، دانش‌آموزانی هستند که زودتر از اتمام تحصیل، مدرسه را ترک می‌کنند و یا به عبارتی قبل از اتمام یک دوره قادر به ادامه تحصیل نیستند و به ناچار مدرسه را ترک می‌کنند. همچنین ترک تحصیل منجر به افزایش بی‌سوادی در جامعه می‌گردد. ترک تحصیل یکی از معضلات آموزش در جهان است. امروزه ترک تحصیل و افت تحصیلی در تمام کشورهای جهان از عمده‌ترین مباحث و مسائل آموزش و پرورش و حتی مسئولان نظام آموزشی است. در پی به وجود آمدن مخارج ثبت نام و تحصیل کودکان، یکی از آسیب‌های جدی که جامعه ما را تهدید می‌کند، گسترش روز افزون کودکان بی‌بضاعت است که به دلایل گوناگون بخشی یا همه اوقات خود را در خیابان‌ها سپری و عمدتاً از طریق بزهکاری و شغل‌های کاذب، تکدی، و شغل‌های فصلی امرار معاش می‌کنند. (۹) - (۱)

گرچه آمار دقیقی از تعداد این کودکان در فقر در دسترس نیست، اما بی‌شک این کودکان آمار بالایی را شامل می‌شوند که صرف نظر از مشکلات و مسایلی که در حال حاضر ایجاد می‌کند، پیامدهای ناگوارتری در آینده ای نه چندان دور برای جامعه در پی خواهد داشت.

وضعیت اقتصادی خانواده و مشکلات اقتصادی جامعه می‌تواند عاملی اثرگذار در ترک تحصیلی دانش‌آموز باشد، عواملی مانند عدم داشتن درآمد کافی خانواده و عدم محیا بودن مسکن مناسب و یا داشتن تعداد فرزندان بالا که می‌تواند توجه و رسیدگی والدین به آن‌ها را ضعیف کند و حتی فرزندان را مجبور به وارد شدن به بازار کار و ترک تحصیلی کند.

مشکلات اقتصادی و تلاش‌های والدین برای رهایی و حل این مشکلات نیز می‌تواند عاملی برای فراموشی و عدم رسیدگی، تربیت و آموزش فرزندان توسط والدین شود که این خود می‌تواند عامل تاثیر گذاری برای افت تحصیلی و ترک تحصیلی در دانش‌آموز باشد (2).

یک عامل دیگر دیدگاه منفی دانش‌آموز به تحصیلات و پیدا کردن شغل مناسب متناسب با تحصیل است، زمانی که دانش‌آموز در اطراف خود بیکاری افراد تحصیلکرده را می‌بیند ممکن است انگیزه خود را برای ادامه تحصیل از دست داده و به دنبال وارد شدن به بازار کار می‌شود (4).



این مقوله که متشکل از چندین کد مفهومی، شامل ناتوانی از پرداخت هزینه سرویس مدرسه، نداشتن خرج درس و مشق بچه ها، ناتوانی در تأمین وسایل آموزشی فرزندان، تأمین مخارج توسط برادر، نداشتن مقرری ثابت ماهانه، بیکاری پدر و عدم بهره مندی از پوشش نهادهای حمایتی و امدادی است، ناظر بر مسائل و دغدغه های مختلف اقتصادی است که در نهایت تحت نام چالش های اقتصادی نامگذاری و به عنوان شرایط علی شناسایی شده است. چالش های اقتصادی پیش روی افراد یکی از مکانیسم ها و علت های اصلی ترک تحصیلی بوده است.

فقر و فشار اقتصادی ممکن است باعث شود تحصیل کردن و فراهم کردن شرایط تحصیل برای دانش آموزان به یک بار اقتصادی برای خانواده ها تبدیل شود. بنابراین برخی خانواده ها ترجیح می دهند که فرزندانشان به مدرسه نروند و یا اینکه خود آن ها از مدرسه بیرون آمده و به بازار کار می پیوندند (6).

مشکلات والدین در راه کوشش و تلاش برای معاش و گرفتاری های بی شمار آنها در این رابطه معمولاً والدین را از اوضاع و احوال فرزندان خود غافل می نماید و در حقیقت رابطه صحیحی را لازمه یک زندگی سالم است را مختل می سازد و اثرات این نوع زندگی در ظرف چند سال به اعماق نحیف افراد نفوذ می کند و موجب تخریب نیروهای بالقوه آنان می گردد. وقتی فقر در خانواده ای باشد امکان بروز مشکلاتی در رفتار جوانان من جمله دانش آموزان وجود خواهد داشت. علی علیه السلام درباره فقر می فرمایند (فان الفقر منقصه للدين، مدهشه للعقل و داعیه للمقت) فقر باعث نقصان دین سراسیمگی عقل و برانگیختن خشم می شود و بیکاری، جوانان را به جانب برخی از بزهکاری ها می کشاند. البته اسلام زمینه اجتماعی را برای تعادل اقتصادی ایجاد می کند و بر والیان امور فرض می داند که مبادا فقر آنان را به انحراف بکشاند. پس معلوم می شود که مهمترین عامل برای رهایی دانش آموزان از تحصیل فقر اقتصادی است (8).

از طرف دیگر شرایط اجتماعی از قبیل بیکاری رایج در بین تحصیل کرده ها شرایط و باورهایی را به وجود می آورد که آن ها را به سمت ترک تحصیل سوق می دهد. یعنی آن ها امید خود را برای انتخاب شغل مناسب از دست می دهند و به جای اینکه سال های طولانی در مدرسه و دانشگاه بمانند، ترجیح می دهند زودتر پول در بیاورند.

ورود زود هنگام به بازار کار به ویژه برای پسران منجر می شود سال هایی که یک نوجوان نیاز دارد به دور از دغدغه های اقتصادی به دنبال حل بحران نوجوانی و هویت یابی باشد، درگیر بحران ها و فشارهای اقتصادی شود. این امر هم به کاهش سلامت روان فرد و هم نرخ کلی سواد جامعه می انجامد. نرخ سواد جامعه به شکل مستقیم با میزان رفاه و پیشرفته بودن یک جامعه در ارتباط است. همین موضوع و پیامدهای آن راجب دختران هم صدق می کند ترک تحصیل زود هنگام به دلیل شرایط اقتصادی و فقدان موقعیت اقتصادی مناسب خانواده منجر به ازدواج برخی از این قشر دخترانی می شود که در خانواده های کم بضاعت زندگی می کنند، نهایتاً باعث می شود نسلی از مادران جوان پرورش پیدا کنند که به جای تحصیل و پرورش مهارت های فردی و شخصی خود مجبور به پذیرفتن مسئولیت ازدواج



و بچه داری شده‌اند. چنین مسئله‌ای منجر به کاهش سلامت روان آن‌ها می‌شود. (۷) از طرف دیگر هر چه نرخ سواد زنان یک جامعه بالاتر باشد، آن جامعه رفاه بیشتری دارد و سلامت جسمانی و روانی کودکانش بالاتر خواهد بود. کمک‌های اقتصادی به خانواده‌های محروم، کاهش هزینه‌های تحصیل از قبیل تامین وسایل و لوازم التحریر می‌تواند دلگرم کننده و کمک کننده حداقل برای جلوگیری یا کاهش این قبیل اتفاقات باشد. نتایج نشان داده است که بین شرایط اقتصادی و تحصیل یک رابطه مستقیم وجود دارد که دانش آموز و خانواده محصل هر وقت شرایط اقتصادی تنگ می‌شود منجر به ترک تحصیل دختر یا پسر می‌انجامد. (۱۰)

عوامل فردی :

عوامل فردی یکی از گسترده ترین و البته می‌توانیم بگوییم موثرترین عواملی هستند که در فرایند ترک تحصیل نقش دارند. در واقع وقتی عوامل موثر بر این امر (یعنی ترک تحصیل) را بررسی می‌کنیم، متغیرهای گوناگون اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی و.. در نهایت در یک نقطه ی مشترک به فرد و عوامل فردی گره می‌خورند. عدم تکمیل تحصیلات در دوره های اولیه ی تحصیل ضایعات فردی و اجتماعی متعددی به دنبال دارد که در سنین پایین به ایفای نقش و رفتار بزرگسالان می‌پردازند و در بزرگسالی متحمل خسارات فراوانی میشوند. هرچقدر نوجوانان تجارب آموزشی بیشتری در دوران نوجوانی کسب کنند بهتر می‌توانند آماده ی رویارویی با چالش های زندگی در دوره ی بزرگسالی باشند. (۱۱)

این جنبه (جنبه ی فردی) روی صفات ممیزه ی دانش آموزان از قبیل ارزش های مورد قبول آنها، حالات و رفتارها و اینکه چگونه صفات فردی در تصمیم به ترک تحصیل دخیل اند، تمرکز میکند. ترک تحصیل نشان دهنده ی یکی از سه جنبه ی وابسته به هم پیشرفت تحصیلی است:

الف: پیشرفت تحصیلی مانند آنچه در نمرات و رتبه ها منعکس میشود.

ب: پایداری تحصیلی مانند آنچه در نمرات و رتبه ها منعکس میشود.

ج: موفقیت تحصیلی که منظور از آن گذراندن سالهای تحصیل و دریافت مدرک است.

موفقیت تحصیلی هم به پایداری تحصیلی و هم به پیشرفت تحصیلی بستگی دارد. ترک تحصیل نه تنها یک مساله ی آموزشی بلکه یک مشکل اجتماعی قابل توجه نیز هست که علاوه بر این پیامد های روان شناختی و اقتصادی نیز به دنبال دارد.

دانش آموزان با ترک تحصیل یا تعویض مدرسه در امر تحصیل خود تعویق می‌اندازند یا از لحاظ علمی نمرات کمی کسب نموده، شانس کمتری برای فراغت از تحصیل و اتمام آن پیدا میکنند. تغییر در پایداری و بازدهی و پیشرفت دانش آموزان در مدرسه، شرایط بعدی، روابط اجتماعی و اشتغال، تجربیات تحصیلی آنها را تحت تاثیر قرار میدهد. بخش عمده ای از تحقیقات تجربی موید این نکته اند که بسیاری از پیش بینی ها در مورد ترک تحصیل با این



چهارچوب هماهنگ اند که یکی از عناصر مهم آن جابه جایی دانش آموز است. چه جابه جایی محل اقامت (تغییر محل سکونت) و چه جابه جایی تحصیلی (تغییر مدرسه) خطر ترک تحصیل را افزایش میدهد. تحقیقات نشان میدهد که اکثر آثانی که از دبیرستان جدا شده اند حداقل یک بار قبل از انصراف جابه جا شده بودند. در حالیکه اکثر آنها بی که فارغ التحصیل شده بودند این کار را نکرده اند. هر چند این امر نقش حیاتی در رها کردن تحصیل ایفا نمیکند، ولی تاثیر آن در نزدیک شدن به این مهم را نمیتوان نادیده گرفت.

عامل دیگر پیشرفت تحصیلی است. تحقیقات زیادی نشان داده اند که بنیه علمی ضعیف محرکی قوی برای ترک تحصیل بوده است (۱۲).

همچنین مشخص شده که حتی بعد از کنترل (به دلیل مشکلات تحصیلی و سوابق دانش آموزان) و بهبود بنیه علمی دانش آموزان بازهم نتوانسته اند از ترک تحصیل آنان جلوگیری کنند. تحقیقات نشان داده است که بنیه علمی اولیه و دل مشغولی اولیه به تحصیل در دوره دبستان و راهنمایی، به پیش بینی ترک تحصیل در دبیرستان کمک میکند. رودریک در تحقیقی نشان داد که تفاوت در نمرات علمی از ابتدای سال چهارم شروع میشود و قبل از ترک مدرسه، وضعیت نامطلوب نمرات دانش آموزان مشخص میشود. یکی دیگر از عواملی که توجه زیادی را به خود جلب کرده است، مردودی است. برخی تحقیقات اخیر نشان داده است که مردودی، تاثیرات زیادی بر کیفیت تحصیل میگذارد. تمام مطالعات تجربی انجام شده موید این است که مردودی حتی در سطوح پایین تر تحصیلی به طرز محسوس بر تمایل به ترک تحصیل تاثیر گذار است (۱۲).

شکست تحصیلی و تجارب منفی در مدرسه با شاگردان و با جو مدرسه میتواند افت تحصیلی و در نهایت ترک تحصیل را به همراه داشته باشد. طبق تحقیقات مشکلات ناسازگاری در مدرسه و بزهکاری، عملکرد تحصیلی ضعیف (معدل پایین، مردودی) توانایی شناختی پایین، حمایت و نظارت ضعیف والدین و انتظارات مدرسه هر کدام به تنهایی میتواند پیش بینی کننده ترک تحصیل باشد. وقتی ویژگیهای شخصیتی و تجارب مدرسه باهم درمورد افت تحصیلی مورد مطالعه قرار داده شدند و دانش آموزانیکه دارای عملکرد تحصیلی خوبی بودند از دانش آموزانی که دارای عملکرد تحصیلی ضعیف بودند متمایز شدند، در مرحله اول آنها به این نتیجه رسیدند که برخی دانش آموزانی که دارای عملکرد تحصیلی مطلوب بودند بخاطر مشکلات رفتاری مدرسه را ترک میکنند. در حالیکه درباره افراد با عملکرد ضعیف سه نوع افت تحصیلی مشاهده میشود:

دسته اول دانش آموزانی هستند که هم دارای معدل ضعیفی هستند و هم رفتارهای ناسازگارانه در مدرسه برای آنها مشکل ایجاد میکند و آنها را مجبور به ترک تحصیل میکند.

دسته دوم دانش آموزانی هستند که رفتارهای ناسازگارانه در آنها دیده نمیشود اما سابقه ممتد شکست تحصیلی دارند و این سابقه منجر به ترک تحصیل میشود.



دسته ی سوم دانش آموزانیکه به دلیل فقدان دانش لازم قادر به اتمام موفقیت آمیز امتحانات نهایی نشده و ترک تحصیل میکنند.(۱۱)

تجارب آموزشی مدرسه همواره به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده ی عملکرد تحصیلی و انگیزه ی دانش آموزان به حساب می آیند. تجاربی که دانش آموزان در مدرسه کسب میکنند تاثیر بسزایی در افت تحصیلی آنان دارد. طبق یافته ها دانش آموزانیکه در مدرسه موفق هستند معمولا دارای نوعی احساس وابستگی به مدرسه هستند و این دسته دانش آموزان معمولا عملکرد تحصیلی بهتری نسبت به دیگران دارند و به همین دلیل است که دانش آموزان موفق کمتر دچار افت تحصیلی میشوند.(۱۱)

عوامل خانوادگی:

خانواده شرایطی را فراهم میکند که در زندگی تحصیلی آتی کودک میتواند موثر باشد. از جمله ی این تجارب میتوان به از هم گسستگی خانواده، رفتارهای اقتدارگرایانه، سطح سواد و درآمد والدین اشاره کرد. والدینی که رفتارشان با کودکان خشن و غیر دوستانه است غالبا به سرزنش کردن و اهانت و تنبیه فرزندان خود تمایل دارند و والدینی که از فرزندان خود مسئولیت نمیخواهند معمولا نظم و قاعده ی خاصی را در تربیت فرزندان خود دنبال نمیکنند (۱۱). این سرکوبی و عدم وجود قاعده در تربیت فرزندان، باعث میشود که اولیا احساس بی کفایتی در فرد شکل بگیرد و در ثانی با دنبال نکردن نظم خاص در زندگی شخص، در عملکرد تحصیلی و برنامه ریزی برای رسیدگی به مطالعات خود هم دچار مشکل شده و مجموع اینها فرد را به سمت افت تحصیلی بکشاند و میدانید که افت تحصیلی میتواند مقدمه ای بر انگیزه ی ترک آن باشد.

تحقیقات دیگری نشان داده اند دانش آموزانیکه تنها یک سرپرست دارند یا تحت تکفل پدر یا مادر ناتنی اند، بیشتر از دانش آموزانی که دارای دو سرپرست (پدر و مادر واقعی) اند ترک تحصیل میکنند. سرمایه گذاری والدین بر اساس اهداف و محدودیت هایشان درباره ی مقدار زمان و منابعی که برای فرزندشان صرف میکنند مساله ای هست که میتواند بر تمایل بچه ها به تحصیل و کسب مهارت های علمی آنها تاثیر بگذارد. البته باید اضافه کرد که سرمایه ی انسانی (سطح سواد والدین) و سرمایه ی مالی (درآمد والدین) نمیتوانند عوامل کافی برای پیدا کردن ارتباط بین زمینه ی خانوادگی و موفقیت تحصیلی باشند. توانایی اجتماعی که منظور از آن رابطه ای است که والدین با فرزندان، خانواده های دیگر و مدرسه دارند، به طور مستقل از تاثیر سرمایه ی انسانی - مالی میتواند بر موفقیت تحصیلی تاثیر بگذارد.(۱۲)

نحوه ی ارتباط با گروه همسالان:

نوجوانان در این مرحله از رشد به صورت اجتناب ناپذیری تحت تاثیر دوستان و گروه همسالان خود قرار میگیرند. طبق مطالعات همسالان تاثیر قابل ملاحظه ای روی عملکرد تحصیلی دوستان خود دارند. به عبارت دیگر وابستگی به



دوستان و بالعکس طرد شدن از طرف همسالان می‌تواند عملکرد تحصیلی در مدرسه را تحت شعاع قرار داده و یک عامل پیش بین برای ترک تحصیل باشد (۱۱). مثلاً اگر دوستی با افراد ناسالم شکل بگیرد، فرد برای جلوگیری از طرد شدن توسط دوستانش و اثبات خویش در زمینه‌هایی به دوستانش و به قول معروف هم‌رنگ جماعت شدن ممکن است دست به کارهایی بزند که حتی آینده‌ی تحصیلش را تحت شعاع قرار بدهد.

البته اگرچه ادعا شده است که گروه همسالان می‌توانند در افت تحصیلی موثر واقع شوند اما فاین معتقد است که گروه همسالان فقط بخشی از دل مشغولی‌های درون مدرسه‌ای است و دو عامل خانه و مدرسه نقش اساسی تری را برعهده دارند. دانش آموزان بخصوص در سنین نوجوانی نیازمند برخورد مثبت چه در خانه و چه مدرسه هستند. این حمایت آنها را قادر می‌سازد که خود انگاره‌ی بی قدرتی و شکست را در خویش تغییر داده و خود را به عنوان کسی ببینند که می‌تواند نتایج کار خود را خلق نماید. (۱۱)

مدارس و معلمان نقشی فرهنگی در رشد و توسعه علمی دانش آموزان و کسب پیشرفتهای آموزشی آنها برعهده دارند. از آن جمله می‌توان به انگیزش اشاره کرد که به صورت تمایل ذاتی و درونی برای رفتار و یادگیری است و توسط محیط پیرامون تشویق و حمایت میشود و یا بالعکس بر اثر بی توجهی، تضعیف میگردد در پی آن عملکرد یا علاقه به ادامه یا ترک تحصیل رخ میدهد. (۱۳)

عقاید و باورهای دانش آموز:

از چشم انداز نظری، در بررسی علت ترک تحصیل‌های صورت گرفته در جهان، علاوه بر فقر مالی که به اشتغال کودکان یا نوجوانان منجر میشود، فقر انگیزشی نیز نقش مهمی ایفا میکند. به طوریکه میزان بالای بیکاران تحصیل کرده سبب میشود دانش آموزان و خانواده‌هایشان به ادامه‌ی تحصیل و رفتن به مقاطع بالاتر به شکل یک امر غیرضروری نگاه کنند و کسب درآمد از سنین پایین را بر گرفتن مدرک و پیوستن به جمعیت بیکاران ترجیح دهند. (۱۳) برای بخش قابل توجهی از دانش آموزان انگیزش خود تعیین شده به تحصیل خیلی کاهش یافته است. اگرچه معلمان کنترلی بر شرایط بیرون از مدرسه اعمال نمیکنند با این حال میتوانند بافت کلاس درس را به نحوی فراهم آورند که درگیری موقعیتی و علاقه‌ی طبیعی را در کلاس و دانش آموزان ایجاد کنند و رشد منابع انگیزشی درون آنها را افزایش دهند. (۱۴)

پژوهش‌ها حاکی از آن است که افرادی که کنترل کافی بر زندگی خود دارند و در تکالیف خود عملکرد بهتری دارند، کمتر تحت نفوذ دیگران قرار میگیرند، برای مهارت‌ها و پیشرفت‌های شخصی خود ارزش بالاتری قائل‌اند و از بهداشت روانی بهتری برخوردارند. وقتی دانش آموز یا نوجوان پیامد‌های مثبت رفتار خود را به کوشش و تلاش خویش نسبت میدهد، موفقیتش در او ایجاد احساس غرور میکند اما برعکس زمانی که شخص موفقیت خود را به عواملی مانند شانس و اقبال نسبت میدهد احساس غرور و اعتماد به نفس نمیکند. (۱۱) در واقع خود پنداره‌ی دانش



آموز به الگوی نسبت دادن او وابسته است. داشتن عزت نفس پایین نسبت به خود یکی دیگر از عواملی است که باعث میشود دانش آموزان از تحصیل دلسرد شوند که این عزت نفس پایین میتواند در اثر عوامل مختلفی مانند سرکوبی توسط خانواده، ایجاد احساس بی کفایتی به سبب شکستهای متمادی و.. به وجود آمده باشد. همچنین برخی دانش آموزان دچار معلولیت های جسمانی یا بیماریهای خاص، به علت وجود مشکلاتی از قبیل دشواری و پرهزینه بودن ایاب و ذهاب (۱۶)، مشکلاتی از قبیل عدم دسترسی راحت به امکاناتی چون سرویس بهداشتی، دشواری عبور از راه پله ها در مدرسه یا مشکلات ارتباطی، برای مثال زمانی که نتوانند از رابطه ی مناسبی با همسالان خود بهره ببرند، در جامعه پذیرفته شوند، شرایط خود و تفاوت های خود را بپذیرند و خود را با همین ویژگی ها دوست داشته باشند و برای پیشرفت خود تلاش کنند، در نهایت دچار عزت نفس پایین، سرخوردگی و مشکلاتی از این قبیل میشوند که میتواند مسبب گرایش به ترک تحصیل شود. میتوان با ایجاد مهارت های مقابله با استرس، مهارت های یادگیری، ایجاد خود کفایی در دانش آموزان و آگاه سازی بیش از پیش معلمان و خانواده ها، ارجاع دانش آموزان به مشاور جهت انتخاب رشته ی متناسب با شخصیت آنها و.. نقش موثری در بالارفتن عزت نفس دانش آموزان و در نتیجه پیشگیری از افت تحصیلی و در نهایت گرایش به ترک آن ایفا کرد. (۱۱)

یکی از عوامل تاثیر گذار دیگر از دواج زود هنگام یا به عبارت دیگر تشکیل خانواده قبل از هجده سالگی به خصوص در مناطق روستایی است (که نقش بیشتری در ترک تحصیل دختران ایفا میکند). باورهای سنتی نقش بسیار اساسی در ترک تحصیل یا عدم آن دارند و در برخی موارد استعدادها و توانمندی های نهفته در وجود تک تک افراد، به دلیل فقدان محیطی مناسب، امکان بروز ندارند.

باورهای مردم درباره ی عدم ضرورت تحصیل یا ادامه ی تحصیل دختران، باور به اولویت فرزند پسر بر دختر و در نتیجه تبعیض علیه دختران، باور به احتمال انحراف دختر و لطمه به آبرو به سبب خروج از منزل، برخی باورهای محدود کننده در این زمینه اند. (۱۵)

نقش معلمان در ترک تحصیل:

سن خروج از مدرسه اصولاً در سطح جهانی ۱۸ سال میباشد. یعنی آموزش و پرورش هر کشوری موظف است تمامی کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال را تحت پوشش خود قرار دهد. هرگاه به علتی کودک یا نوجوانی قبل از این سن از مدرسه بیرون بیاید، شامل تعریف ترک تحصیل میشود.

در قانون ایران تا دوره ی متوسطه دوم تحصیل اجباری است. ولی از متوسطه دوم چنین اجباری در قانون دیده نمیشود، بنابراین بیشترین میزان ترک تحصیل در همین سن دیده میشود. نوجوانان بسیاری وجود داشته اند که به دلایل مختلفی درس خواندن را امری بیهوده می دانند؛ به همین دلیل تصمیم به ترک تحصیل می گیرند ممکن است به فکر کار، فعالیت و همچنین کسب درآمد باشند و یکباره مدرسه نرفته و درس را کنار بگذارند.



امروزه خوشبختانه فرار از مدرسه دانش آموزان نسبت به گذشته تا حدودی کاهش پیدا کرده است؛ با وجود این همچنان در سراسر دنیا شاهد ترک تحصیل اغلب دانش آموزان هستیم. حتی ممکن است یکی از نگرانی های والدین ترک تحصیل نوجوانان بوده که عقیده آن ها درس خواندن ارزشی ندارد. ترک تحصیل افراد نه تنها بر فرد بلکه برای خانواده و همچنین جامعه زیان بار بوده؛ در نتیجه پیامدهای بلند مدتی خواهد داشت. به همین دلیل لازم است پیش از تصمیم به ترک تحصیل نوجوانان چاره ای بیاندیشید. (۱۷)

عامل مدرسه و مربیان آموزشی خصوصا معلمان نیز می تواند در پیشرفت تحصیل و یا ترک تحصیل در فرد تاثیر گذار باشند. رفتار و برخورد معلم با دانش آموزان میتواند اعتماد به نفس دانش آموز را بالا ببرد، انگیزه تحصیل را افزایش دهد و تلاش دانش آموز را بیشتر کند و در نهایت موفقیت او در تحصیل را رقم بزند و یا بالعکس با برخورد اشتباه با دانش آموز او را در مسیر ترک تحصیل بکشاند. کانت معتقد است یک معلم خوب برای اداره کردن به دو ویژگی نیاز دارد: اشراف بر کلاس یعنی توانایی معلم برای انجام دادن دو یا چند عامل عامل در یک زمان. هر دانش آموز به شیوه ی خاص مطالب درسی را درک میکند. یکی از اهداف تدریس کمک به دانش آموز در کسب اطلاعات است.

۱- ایجاد تمرکز در دانش آموزان مساله ی مهمی است که اغلب دانش آموزان از عدم تمرکز شکایت دارند که میتوان با دادن چند تکلیف ساده تمرکز را در شاگردان افزایش داد.

۲- از بین بردن اضطراب و نگرانی در شاگردان کار مهم دیگری است که میتوان بسته به شخصیت هر فرد آن را کاهش داد. عمل اضطراب میتواند ترس از امتحان، نمره و معلم باشد. انگیزه موتور حرکت فرد برای رسیدن به هدف است و ایجاد انگیزه در دانش آموزان محرک بسیار قوی برای تلاش بیشتر جهت رشد تحصیلی و پیشرفت او خواهد بود و بی انگیزگی در او میتواند در کنار افت تحصیلی تحصیل دانش آموز او را به سمت کنار رفتن از ادامه ی تحصیل هدایت کند.

والدین و مربیان آموزشی می توانند با ایجاد دیدگاه و تصویری روشن از آینده ی مثبت تحصیل با ارائه ی راهکارهایی برای یادگیری بهتر درس ها و موفقیت در تحصیلات، انگیزه ی دانش آموز را برای پیشرفت تحصیلی بیشتر کنند. (۱۸)

بر طرف کردن عیوب نظام آموزشی کشور:

زمانی که دانش آموز تنها در مدرسه نقش شنونده را ایفا نکرده و توانایی ارائه عقیده های خود را داشته باشد؛ نه تنها به خلاقیت او کمک خواهد کرد بلکه به درس خواندن و تحصیلات نیز علاقه پیدا خواهد کرد. (۱۹)



بر خورد معلم:

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تا حدود زیادی بستگی به شرایط محیطی و نحوه ی برخورد معلمان و اطرافیان دارد. فضایی که نوجوانان در آن پرورش می یابند باید به گونه ای باشد که موجب موفقیت آنها گردد. برخورد معلم باید منطقی بوده تا دانش آموز را در مسیر موفقیت قرار دهد و دانش آموز اعتماد به نفس پیدا کند و از خود انتظار موفقیت داشته باشد زیرا موفقیت هم چون نردبانی است که وقتی شروع شد تا آخرین پله ادامه می دهد. بنابراین می توان گفت رابطه معلمان و شاگردان و مسئولان دیگر دبیرستان می تواند موفقیت دانش آموزان را تحت تاثیر قرار دهد و از ترک تحصیل جلوگیری کند.

برخورد معلم و اولیای دبیرستان باید به گونه ای باشد که دانش آموز از طریق دستکاری اشیا، آزمایش، جمع آوری اطلاعات، ساختن و خلق کردن مباحث و مشارکت در کارهای گروهی، گوش دادن، خواندن و اکتشاف به تجربه ی یادگیری پردازند و بدین وسیله از ترک تحصیل دانش آموزان جلوگیری نمایند. همچنین استفاده از تشویق های مادی و غیر مادی مفید است استفاده بیشتر معلمان از تشویق های کلامی و تشویق در جمع در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نقش بسزایی دارد و هم باعث جاوگیری از افت تحصیلی دانش آموزان می شود. (۲۰)

تشویق کردن:

دانش آموز به دنبال تایید و تشویق مثبت از معلم خود است و اگر حس کند معلم متوجه کار او شده و برایش ارزش میگذارد علاقه ی بیشتری به یادگیری خواهد داشت. شما باید با صحبت کردن با دانش آموز او را تشویق کرده و کاری کنید احساس کند اهمیت دارد. خودتان را مشتاق نشان دهید. مرتب آنها را تحسین کنید. ز مشارکت ها و فعالیت هایشان نام ببرید. اگر محیط کلاس شما طوری باشد که دانش آموز در آن حس کند شنیده می شود و به او احترام گذاشته می شود، به یادگیری مشتاق تر خواهد شد. گفتن " کارت عالی بود میتواند تاثیر فوق العاده ای داشته باشد. (۲۱)

شیوه ی برگزاری امتحانات:

هدف عمده در مدرسه پیش بردن یادگیری دانش آموزان است. تمام فعالیت های مدرسه باید متوجه همین هدف باشد. زیرا مقدار و نوع یادگیری دانش آموزان است که میزان فعالیت های مدرسه را روشن میکند. هرگاه دانش آموز مطلبی را یاد بگیرد این امر موجب تغییر رفتار وی خواهد شد و به عبارت دیگر تجارب یادگیری موفقیت آمیز موجب تغییراتی در رفتار دانش آموز می شود. بوسیله ارزیابی و امتحان است که معلم می تواند اثر کوشش های خود را بفهمد و یا بداند که تا چه اندازه توانسته است دانش آموز را در راه رسیدن به هدفهای مورد نظر کمک کند و



خود نیز تا چه حد موفق بوده است. چنانچه امتحان به جای اینکه یک وسیله باشد، یک هدف اصلی به شمار آید و این بر کل فرایند آموزشی اثرات سو می گذارد و هدفهای حقیقی آموزش و پرورش را به مخاطره می اندازد. در چنین حالتی امتحان بر چگونگی تدریس و یادگیری تاثیر گذاشته و دانش آموزان فقط برای کسب نمره و قبول شدن در امتحان فعالیت میکنند.

دانش آموزان برای دریافت نمره به حفظ کردن مطالب می پردازند و در نتیجه قدرت تفکر و استدلال و نوآوری فراگیران ضعیف می گردد و موجب خستگی آنها از درس و معلم میشود. همه این موارد منجر به عدم پیشرفت و افزایش میزان افت تحصیلی و در نهایت ترک تحصیل دانش آموزان می گردد. استفاده از شیوه های صحیح امتحان یا ارزیابی پیشرفت تحصیلی نه تنها معلم را قادر می سازد که دانش آموزان خود را در رسیدن به هدفهای آموزش و پرورش راهنمایی کند، بلکه بر اساس ارزیابی مداوم می تواند روش تدریس را نیز ارزیابی کند. به این ترتیب میتواند از ترک تحصیل دانش آموزان جلوگیری کند.

بنابراین امتحان وسیله ای نیست که تنها در پایان مراحل تحصیل و برای انتخاب افراد مستعد و شایسته تر به کار رود، بلکه امتحان باید به طور مداوم و در جریان تدریس باشد و در موقعیت های مختلف انجام گیرد. (۲۲)

ایجاد ارتباط با زندگی واقعی:

درس شنیده میشود و "چه زمانی من ممکن است به این درس نیاز داشته باشم؟" این سوال اغلب در کلاس نشان می دهد دانش آموز خود را درگیر و علاقمند به این درس نمیداند. اگر دانش آموزی باور نداشته باشد چیزی که یاد می گیرد اهمیت دارد آن را یاد نخواهد گرفت، بنابراین اهمیت زیادی دارد ارتباط این موضوع به آن ها را نشان دهید اگر در حال تدریس جبر هستید کمی زمان بگذارید و تحقیق کنید چگونه در دنیای واقعی می توان از آن استفاده کرد، مثال در مهندسی و یافته های خود را بادانش آموزانتان در میان بگذارید. شاید آن ها هیچوقت برای یادگیری جبر هیجان نداشته باشند اما اگر ببینند چطور از آن استفاده خواهند کرد برای یادگیری آن انگیزه ی بیشتری خواهند داشت. (۲۳)

عوامل سیستماتیک:

یکی از مسائل مهم اخیر که نظام های آموزش و پرورش و اندیشمندان و متفکران نظام را به تامل فراخوانده است موضوع ترک تحصیل دانش آموزان می باشد. به طور کلی ترک تحصیل یا ترک زودهنگام مدرسه عبارت است از وضع دانش آموزی که پیش از پایان آخرین سال یک دوره آموزشی که در آن ثبت نام کرده است آن دوره را ترک گوید به این نوع ترک تحصیل که پیش از پایان دوره صورت می گیرد ترک تحصیل زودرس می گویند. (۲۴)

ترک تحصیل نه تنها به عنوان یک مسئله آموزشی بلکه به عنوان یک مشکل اجتماعی نیز قابل توجه است. زمانیکه منابع بیرونی از قبیل مشارکت های اقتصادی و همکاریهای آموزشی متوسطه و عالی، فرصتهای تحصیلی و اجتماعی



را در اختیار دانش آموزان قرار می دهند کمک زیادی به پیشرفت و ادامه تحصیل آنها می کنند (کالنجو و آسولاین و نیو ۱۹۹۹) اما زمانی که سیستم مدارس با محدودیت های جدی در منابع بیرونی یعنی محدودیت های اجتماعی و اقتصادی مواجه هستند آن طور که در مدارس روستای دور افتاده رایج است، پدیده ترک تحصیل اتفاق می افتد و دانش آموز باید به انواع دیگری از منابع برای حمایت از هدفهای پیشرفت و ادامه تحصیل تکیه کند. (۲۵)

نگاهی به پژوهش های انجام گرفته در مورد ترک تحصیل از دبیرستان نشان می دهد که یک عامل در تصمیم دانش آموزان به ترک تحصیل می تواند عامل انگیزش باشد. (۲۵)

برای بخش قابل توجهی از دانش آموزان انگیزش خود تعیین شده به تحصیل بسیار کاهش یافته است یعنی در آنها سطوح پایینی از انگیزش درونی شناسایی شده و سطح بالایی از انگیزش و تنظیم بیرونی شکل گرفته است که در نتیجه به تصمیم آنها برای ترک تحصیل منجر می شود. (۲۵)

نکته حساس اینجاست که اجبار به مدرسه رفتن نیز پایان می یابد یعنی زمانی که دانش آموزان به سن ۱۶ سالگی می رسند و باید تصمیم بگیرند که به ادامه تحصیل بپردازند یا خیر؛ در اینجا بدیهی است که این دانش آموز مطابق با تصمیم خود عمل می کند دانش آموزی که تصمیم به ترک تحصیل گرفته است به این نحو عمل خواهد کرد و دانش آموزی که قصد ادامه تحصیل دارد نیز بر اساس تصمیم خود عمل خواهد کرد (۲۵).

اگرچه معلمان کنترلی بر شرایط بیرون از مدرسه اعمال نمی کنند با این حال می توانند کلاس درس را به نحوی فراهم آورند که درگیری موقعیتی و علاقه طبیعی را در کلاس و دانش آموزان ایجاد کنند و رشد منابع انگیزش درونی را در آنها افزایش دهند زمانی که معلمان علائق دانش آموزان را مورد حمایت قرار می دهند تا اینکه بخواهند کنترل رفتار آنها را بر عهده بگیرند، دانش آموز با احتمال بیشتری برای رفتن به مدرسه ترغیب می شود و برای تحصیل ارزش قائل می شوند و احتمال کمتری دارد که تصمیم به ترک تحصیل بگیرد زمانی که انگیزش در کلاس درس ایجاد شود و گسترش یابد می تواند به عنوان منبع درونی دانش آموز عمل کند و به طور معناداری در تصمیم او برای ادامه تحصیل دخیل باشد. (۲۵)

از جمله عوامل و ضعف های سیستم آموزشی که در نهایت منجر به ترک تحصیل می شوند را در ذیل مورد توجه قرار داده ایم :

- ۱) وضعیت نامناسب مدرسه (از لحاظ نداشتن معلم خوب_ امکانات خوب_ برخورد نامناسب و عوامل اجرایی).
- ۲) خشونت (هرگاه در خانواده و جامعه و مدرسه با جوانان و نوجوانان با خشونت برخورد شود آنها مجبور به فرار و ترک صحنه خواهند شد).
- ۳) تنبیه معلم (اگر معلمی بخواهد کلاس را با تنبیه بدنی یا توهین و اهانت به شخصیت دانش آموزان اداره کند و سرانجام منجر به ترک تحصیل دانش آموزان خواهد شد).



۴) شیوه برگزاری امتحانات (شیوه برگزاری امتحانات و ارزشیابی در مدارس نیز از عوامل موثر در ترک تحصیل می باشد). (۲۶)

عوامل مدرسه ای:

در این زمینه چهار ویژگی مدرسه دخیل اند:

- ۱- ترکیب دانش آموز
- ۲- امکانات مدرسه
- ۳- شیوه ها و خط مشی های مدرسه
- ۴- مشخصه های ساختاری مدرسه

امکانات مدرسه: یکی از تحقیقات نشان داده است هرچه دانش آموز معلم ها را بهتر درک کند نرخ ترک تحصیل نیز پایین می آید.

شیوه ها و خط مشی های مدرسه: تحقیقات نشان می دهد که مدرسه روی انصراف دانش آموزان از آن تاثیر می گذارند یک راه به طور غیرمستقیم و از طریق خط مشی های عمومی و اموری است که برای بهبود بهره وری کل مدرسه طراحی شدند این خط مشی ها و امور کاری و سایر مشخصه های مدرسه می توانند منجر به انصراف داوطلبانه دانش آموزان شوند.

ساختار مدرسه: تحقیقات نشان دهنده آن است که اندازه مدرسه و عمومی یا خصوصی بودن آن بر ترک تحصیل تاثیر می گذارد. (۲۶)

شریفی یزدی یکی از جامعه شناسان مطرح بیان کرد: ساختار نظام آموزشی یک عامل مفعول است و نظام آموزشی ما از ساختار معلم محور برخوردار است و در اینجا به خلاقیت دانش آموزان هیچ توجهی نمی شود در این ساختار آموزشی محفوظات پرور به جای معلومات پرور باعث می شود فرزندان از درس و مطالعه دور شوند و علاقه ای به ادامه تحصیل نداشته باشند. (۲۷)

شیوه برخورد معلمین با دانش آموزان و نیز شیوه برخورد اولیای مدرسه با آنان نیز می تواند از انگیزه های بسیار مهم در ترک تحصیل دانش آموزان شود. حجم زیاد کتب درسی، سخت گیری های والدین برای نمره های بالاتر نیز از عوامل مهم در مبانی ترک تحصیل محسوب می شوند. (۲۷)

این جامعه شناس تصریح کرد گاهی اوقات فرزندان ما تحت تاثیر گروه های همسن خود قرار می گیرند و انگیزه درس خواندن را از دست می دهند او مطرح کرد نظام آموزشی ما نظام جذابی نداشته و محیط شاد و لذت بخشی را برای دانش آموزان فراهم نمی کند فرزندان زمانی که از مدرسه دور می شوند احساس خوشایند تری دارند و این خود از عوامل مهم ترک تحصیل محسوب می شود.



شیوه ارزیابی در نظام آموزش و پرورش ما شیوه های بسیار نامناسب است که همه چیز معطوف به آزمون سراسری دانشگاه ها می باشد که نمونه بارز آن ها در مدارس نیز با شکل آزمون های تیزهوشان، آزمون های نمونه دولتی، هیئت امنایی، و امثال اینها می باشند نکته بعدی این است که برخی از مدیران و معلمان دانش آموزان را از آزمون های سراسری می ترسانند و این یک سیستم آموزشی بسیار غلط می باشد.

شریفی یزدی بیان کرد شیوه ارزیابی در نظام آموزشی ما شیوه خلاقیت کش، دفاعی انفجاری است او اضافه کرد در سیستم ما در کنکور فرد طی ۴ ساعت تمامی داشته ها و دانسته ها و تحصیلات خود را ارائه می دهد و این یک اشتباه بسیار بزرگ است که ظرف این مدت محدود سرنوشت فرد تعیین می شود و چنین سبک ارزیابی، میزان ادامه تحصیل افراد را پایین می آورد و امکان ترک تحصیل را افزایش می دهد.

شیوه تدریس معلمان عامل دیگر در ترک تحصیل می داند و گفت روش های تدریس معلمان ما روشهای معلم محور است. معلم سخنگویی و سخنرانی می کند دانش آموز هم به نت برداری و یادداشت برداری می پردازد که باعث خستگی و دلزدگی فرد می شود و انگیزه وی را کاهش می دهد خانواده ها و والدین دانش آموزان را مجبور به درس خواندن نکنند این کار باعث قرار گرفتن فرد در مسیر ترک تحصیل می شود. (۲۷)

از دیگر عوامل مهم در ترک تحصیل دانش آموزان بنا بر بیانات شریفی یزدی می توانیم به وجود مراکز آموزشی آزاد اشاره کنیم با وجود این مراکز آموزشی آزاد که در رتبه بالاتری نسبت به مدارس قرار دارند افراد به سمت گذراندن دوره های مختلف این آموزشگاه ها گرایش پیدا می کند و به دنبال کارآمدی بیشتر می باشند و این باعث جدایی دانش آموز از سیستم آموزش و پرورش می شود. (۲۷)

از دیگر عوامل تاثیر گذار در ترک تحصیل فضای نامناسب تعاملی معلم شاگرد می باشد که به عنوان یک مقوله مهم دیگری که شرایط مداخله گر و یا مزاحم نامگذاری شده است بر ترک تحصیل دلالت می کند و هدف او رابطه عاطفی و محبت انگارانه بین معلم و شاگرد است به عبارتی این مقوله کلیه روابط عاطفی، محبت نهادن، دوست داشتن دانش آموز، عدم تعصب خاص معلم به دانش آموز، و به طور کلی رابطه توأم با محبت و دوستی است. (۲۷)، (۲۸)، (۲۹)

با توجه به سن و دنیای کودکانه دانش آموزان مقطع ابتدایی که بین ۶ تا ۱۱ سالگی باشند ایشان معلمان خود را الگوی مهمی می دانند و انتظار دریافت انواع بازی و محبت را از وی دارند حساسیت سنی و شکنندگی روحی این سنین در این مقطع می تواند از آنان دانش آموزان با شوق و برعکس دانش آموزانی منزوی بسازد و به هر حال رابطه معلم و شاگرد در مقطع ابتدایی بسیار حیاتی و مهم است در این مواقع است که دانش آموز به خاطر عشق و علاقه به معلم خود برای مقاطع بعدی با شوق و انگیزش آماده می شود. (۲۹)



از دیگر عناصر تاثیرگذار بر روی ترک تحصیل دانش آموزان می توان به مناسبات رفتاری معلم- شاگردی اشاره کرد. (۲۹)

مشکلات ایجاد شده بین دانش آموز و آموزگار منجر به درگیری می شود و وقتی دانش آموز عزم به ترک تحصیل می کند دیگر از وساطت معلم و والدین خبری نیست. به طور اختصار می توان گفت فضای نامناسب کلاس و دور از محبت آن هم در مقاطع پایین تر باعث می شود شوق دانش آموز کمتر شود و فضای کلاس به فضایی خشک تبدیل شود. (۲۹)

از دیگر عناصر این مقوله می توان به تعصبات برخی از معلمان و بیشتر معلمان مناطق روستایی نسبت به این مناطق اشاره کرد. اغلب نیروهای این مناطق دارای تحصیلات تکمیلی هستند و بعدها با بالا رفتن مدارک و مدارج تحصیلی خود تمایلی به تدریس در مناطق محروم و دور افتاده نخواهند داشت، از طرف دیگر فرآیند سخت انتقالی به نقاط شهری موجب شده است نیروها تمایل و انگیزه ای برای تدریس نداشته باشند. (۲۹)

میتوان از اظهار زیر چنین برداشتی را استنباط کرد که مصاحبه شونده می گوید: «تا کلاس پنجم درس خواندم زیاد زرننگ نبودم معلمانم خوب نبودند، معلم می گفت حیف نیست به شما ها درس داده شود؟! به چه درد میخورد؟! (۲۹) در مجموع این مقوله به عنوان شرایط مداخله گر و تسهیل گیر شناسایی و بررسی شده است. (۲۸)

برخی از مسائل و مشکلات موجود در سیستم آموزشی، همچون: ضعف پایه تحصیلی، سرزنش نظام ارتقای تحصیلی، غیبت های مکرر، عدم علاقه به درس خواندن، یاد نگرفتن درس، ضعف پایه درسی و یا نداشتن صلاحیت برای ارتقای تحصیل ناشی از این موضوع است که آموزگاران موجود در این سیستم در وضعیتی قرار داده می شوند که این تفکر را دارند دانش آموز ابتدایی نباید مردود شود؛ این بیانات فوق همگی بیان کننده بی علاقه ای به درس و مدرسه اند که نشان دهنده برای آسیب های آموزشی و سیستمیک است که تحت مقوله آسیب های تحصیلی نامگذاری شده اند. تحقیقات انجام شده از سوی «مایکل یانگ» و پارادایم تفسیری وی که بر روی عوامل اجتماعی موثر بر فرایند تولید و کنترل شناخت تاکید می ورزند، مطالعه شرایطی که یادگیری در آن روی می دهد ضروری است. (۲۹)

رهیافت تفسیری مایکل به چند دلیل در مطالعه این موارد اهمیت دارد:

۱- مطالعه محیط های یادگیری؛ که چگونگی رابطه سلسله مراتبی معلم و دانش آموز و ارتباط نمادین مابین معلم و دانش آموز را بررسی می کند.

۲- تعامل در کلاس درس؛ که چگونه معلمان آگاهانه یا ناآگاهانه انتظارات خود را به دانش آموزان انتقال می دهند.

۳- زبان مورد استفاده در کلاس درس. (۲۹)



عوامل فرهنگی - اجتماعی:

ترک تحصیل یا ترک زود هنگام مدرسه عبارت است از وضع دانش آموزی که پیش از پایان آخرین سال یک دوره آموزشی که در آن ثبت نام کرده است آن دوره را ترک گوید. به این نوع ترک تحصیل که پیش از پایان دوره صورت میگیرد، ترک تحصیل زودرس میگویند.

ازدواج زودرس دختران، بی سواد، ناتوانی والدین و نداشتن تحصیلات و سواد کافی، باورها و اعتقادات مذهبی، عدم انگیزه در بین بچه ها، مشکلات یادگیری، کار بچه ها، تنبیه بدنی، نگرش معلمان، فقدان برنامه های فوق برنامه و محیط مدرسه، از علل اصلی و چشمگیر عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر ترک تحصیل است.

باید توجه داشت که مدرسه به خودی خود بی معناست. مدرسه، دانش و دانش آموز و تعاملات آن با خانواده و دوستان به عنوان راس های مثلثی هستند که لازم و ملزوم یکدیگرند. جامعه از تعداد بی شماری میدان تشکیل شده است؛ میدان مدرسه، میدان خانواده، میدان دوستان. میدان نه به عنوان نظریه کلان بلکه به عنوان ابزاری برای تبدیل مشکلات عملی به عمل عینی و تجربی به کار می آید. دانش آموزان سرمایه هایی دارند که خود ترکیبی است از سرمایه های فرهنگی مانند فرهنگ خانواده و محیط دانش آموز و همچنین فرهنگ حاکم بر مدرسه و سرمایه اجتماعی مانند روابط و دوستی هایی که دانش آموز با دوستان، کارکنان مدارس، و خانواده دارد.

سرمایه فرهنگی والدین تاثیر بسزایی در موفقیت تحصیلی و در اختیار گرفتن کرسی بهترین رشته ها در دانشگاه های برتر توسط فرزندان آنها دارد. مسائل خانوادگی که موجب ترک تحصیل دانش آموزان میشود عبارت است از؛ سالمندی والدین، بیماری والدین، طلاق، مراقبت از والدین، عدم پیگیری مسائل آموزشی دانش آموز توسط والدین، موافقت با ترک تحصیل دانش آموز، عدم تعامل با بچه ها در خانه، بی سواد والدین، نیاز به کار بچه ها و سربازی است، که این مشکلات بیشتر از کثرت سامانی خانواده برآمده است که عمدتاً بخاطر ساختار پرجمعیت آن بوده است شرایطی را ایجاد کرده که عدم پاسخ به نیازهای عاطفی فرزندان را موجب شده است. از طرفی پرکاری مادر در فعالیت ها و کم کاری پدر به دلایل سالمندی و نیز اهمال سستی در مدرسه رفتن به واسطه مراقبت از والدین از دیگر پیامد کثرت سامانی خانواده بوده است. در واقع عدم پیگیری امورات بچه در خانواده و نیاز به کار و کمک آنان به نوعی با چراغ سبز ترک تحصیل فرزندان توسط والدین توأم بوده است.

فضای درونی و بیرونی مدرسه ای یکی دیگر از عوامل فرهنگی اجتماعی موثر بر ترک تحصیل است؛ مثل؛ نبود مدرسه راهنمایی در روستای خود نبود زمین فوتبال، نداشتن سرویس مدارس، مزاحمت پسران در حین تردد به مدارس روستاهای اطراف و مختلط بودن کلاسها. این مقوله از جمله عوامل بسیار مهم و سرنوشت ساز در ترک تحصیل بسیاری از دانش آموزان بوده است. ادامه تحصیل در مقطع متوسطه اول در برخی روستاها مستلزم رفتن به مدرسه ای خارج از روستای خود است.



ناچار با توجه به فواصل دور برخی روستاها این مسئله پیش میاید که سرویس ایاب و ذهاب باید در دسترس باشد؛ پس نبود مدرسه راهنمایی در روستا مانع ادامه تحصیل یا توقف و یا به عنوان مانعی نا امید کننده در ادامه تحصیل بوده است اما عدم وجود سرویس ایاب و ذهاب در غالب موارد مانعی اساسی بوده است .

یکی دیگر از عوامل موثر بر ترک تحصیل فضای نامناسب تعاملی معلم_شاگرد هست که دلالت بر تعامل و رابطه عاطفی و محبت انگارانه بین معلم و شاگرد است . به عبارتی این مقوله کلیه روابط عاطفی، محبت نهادن، دوست داشتن دانش آموز، عدم تعصب خاص معلم به دانش آموزان و به طور کلی رابطه توأم با محبت و دوستی است. با توجه به سن و دنیای کودکان، دانش آموزان مقطع ابتدایی که بین ۶ تا ۱۱ سالگی به سر میبرند، اینان معلم خود را الگوی مهمی میدانند و انتظار دریافت انواع بازی و محبت را از وی دارند. حساسیت سنی و شکنندگی روحی این سنین در این مقطع نیز میتواند از آنان دانش آموزانی با شوق و برعکس دانش آموزانی منزوی بسازد به هر حال رابطه معلم و شاگرد در مقطع ابتدایی بسیار حیاتی و مهم است در این مواقع است که دانش آموز به خاطر عشق و علاقه به معلم خود برای مقاطع بعدی با شوق و انگیزش بیشتری آماده شود. همچنین بعضی مواقع ممکن است بعضی مشکلات بین معلم و شاگرد مانند دعوا، درگیری یا توهین های معلم نسبت به دانش آموز منجر به از بین رفتن انگیزه و در نتیجه ترک تحصیل شود.

یکی دیگر از عوامل موثر بر ترک تحصیل باورهای فرهنگی خاص هست. باورها و اعتقادات شیوه ی نگاه به جهان و محیط اجتماعی را فراهم میکند. برخی از مفاهیم تشکیل دهنده این مقوله عبارتند از؛ اعتقاد به ازدواج پیش از موعد، اعتقاد به ارجحیت نقش خانه داری زن، ازدواج اجباری فرزندان، عدم اعتقاد به ورود دختران به دانشگاه، تلقی دختر ۱۰ سال به بالا به عنوان زن کامل، ارجحیت ازدواج بر ادامه تحصیل فرزندان، تابوی معلم مرد و بلوغ زودرس، بدین معنا که اینان ازدواج فرزند حتی در سنین پایین را موجبات خوشبختی فرزندان خود میدانند و اهمیتی برای ادامه تحصیل قائل نیستند. کشمکش های قبیله ای دلالت بر این دارد که در برخی روستاها به خاطر مسائل مختلف هرازگاهی بین دو روستا، منازعات و گاهی هم جنگ و مرافه پیش پا افتاده است. بنابراین در زمان وقوع این منازعات و درگیری بنا بر شرایط و حتی وجود تعصبات خاص برخی از دانش آموزان به روستای مجاور فرستاده نمیشدند، در چنین شرایطی والدین یا محتاطانه و یا بطور کلی مانع رفتن فرزند خود به روستای مجاور به خاطر ترس از دست دادن فرزند و یا حتی کشته شدن به وسیله روستای رقیب شده اند.

ضعف پایه درسی یا نداشتن صلاحیت برای ارتقای تحصیلی ناشی از این موضوع هست که آموزگاران در وضعی قرار داده میشوند که دانش آموز ابتدایی نباید مردود شود. مثلا برخی از مادران میگویند پسرم داخل مدرسه هیچ چیزی یاد نگرفت حتی اسم خودش را هم بلد نیست؛ تا سه کلاس خواند و پدرش گفت: این هوش ندارد، یاد نمیگیرد، بنابراین از مدرسه خارجش کرد. یا میگویند فرزندم تنبل است. درس نمیخواند، معلمش گفته است اوضاع درسی اش



ضعیف است. دیگر فایده ندارد. وقتی معلمش گفت: این هیچی یاد نمیگیرد با خود گفتم وقت تلف نشود، بهتر است فرزندم از مدرسه خارج شود. وقتی یاد نمیگیرد یا خود دانش آموز میگوید درس خوب نبود، پایه ام خیلی ضعیف بود معلم فقط مراپاس کردند. همه اینها نشان دهنده ی وجود برخی آسیبهای آموزشی است که تحت مقوله آسیب تحصیلی نامگذاری شده اند از عناصر دیگر این مقوله به عدم علاقه به درس خواندن میتوان اشاره کرد، علاقه و دوست داشتن مدرسه و درس در ماندن یا ترک مدرسه تاثیر زیادی دارد. (۳۰)

برخی از والدین تحصیل را مانعی میدانند بر سر راه اینکه کودکان در امور جاری به آنها کمک کند. بسیاری از والدین ممکن است تحصیل کودک را تحمیل هزینه های اقتصادی به خانواده و تبدیل شدن وی به یک اضافه بار بدانند در واقع کار کردن ارزش بیشتری از تحصیلات دارد. یکی دیگر از علل ترک تحصیل به ویژه برای دختران، ازدواج زود هنگام میباشد. در فرهنگهای روستایی به ویژه دیر ازدواج کردن دختران مسئله ای مهم است که اغلب نگران آن هستند. در واقع در بسیاری از خانواده ها ازدواج کردن سرنوشت قطعی یک دختر میباشد؛ بنابراین زودتر رفتن به خانه همسر یک ارزش محسوب میشود. (۳۲)

پیامد های ترک تحصیل :

ترک تحصیل زود هنگام برای دخترانی که ازدواج میکنند، باعث میشود نسلی از مادران جوان پرورش پیدا کنند که به جای تحصیل و پرورش مهارتهای فردی و شخصی خود مجبور به پذیرفتن مسئولیت ازدواج و بچه داری شوند، چنین مسئله ای منجر به کاهش سلامت روان آنها میشود. از طرف دیگر هرچه نرخ سواد زنان یک جامعه بالاتر باشد آن جامعه رفاه بیشتری دارد و سلامت جسمانی و روانی کودکانش بالاتر خواهد بود.

ورود زود هنگام به بازار کار به ویژه برای پسران منجر میشود سالهاییکه یک نوجوان نیاز دارد به دور از دغدغه های اقتصادی به دنبال حل بحران نوجوانی و هویت یابی باشد درگیر بحرانها و فشارهای اقتصادی شود، این امر هم به کاهش سلامت روان فرد و هم نرخ کلی سواد جامعه می انجامد نرخ سواد جامعه به شکل مستقیم با رفاه و پیشرفته بودن یک جامعه در ارتباط است. (۳۲)

نقش خانواده در جلوگیری از تحصیل:

خانواده و به خصوص مادر نقش اساسی در زندگی فرزندان و تربیت آنها در تمام زمینه ها ایفا میکند. لازم است تا خانواده شرایط روانی با ثباتی را برای کودک و نوجوان خود فراهم کند تا آنها مجبور نباشند ترک تحصیل را راهی برای رهایی از مشکلات در نظر بگیرند، گاه والدین نمیتوانند ارتباط صحیحی با فرزندان خود برقرار کنند و یا مانع از اصرار آنها برای ترک تحصیل شوند. (۳۲)

خانواده ها و والدینی که سواد پایینی دارند باعث میشود فرزندان آنها علاقه و رقت چندانی به ادامه تحصیل نداشته باشند و بلعکس خانواده هاییکه تحصیلات بالایی دارند فرزندان آنها میل بیشتری به ادامه تحصیل دارند. (۳۱)



در خانواده هاییکه تنش و درگیری بین والدین یا فرزندان بیشتر است امکان ترک تحصیل فرزندان بیشتر خواهد بود. درخانواد های تک سرپرست میزان ترک تحصیل فرزندان آنها بیشتر است یا خانواده هاییکه فرزندان آور خانه بوده فرزندان از ادامه تحصیل محروم میشوند یا خانواده هاییکه سرپرست ناتنی دارند امکان ترک تحصیل در آنها بیشتر است همچنین خانواده های گسسته که طلاق در آنها رخ میدهد در هر مقطع تحصیلی امکان ترک تحصیل فرزندان افزایش میابد.

گاهی اوقات خانواده به دلایل متفاوت به اجبار به تغییر محل سکونت از روستا به شهر یا از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ میروند این جابجایی معمولا در حاشیه شهرها رخ میدهد که فرزندان این خانواده ها نمیتوانند در مدارس مناسب ثبت نام کنند و خیلی سریع جذب کار میشوند مانند کودکان کار که به صورت غیر قانونی در شهر وجود دارند که نهایتا منجر به ترک تحصیل کودک میشود. در این موضوع قرار گرفتن در مسیر اعتیاد یا گروه های بزه کاری در دوران نوجوانی و جوانی جز عوامل نقش آفرین در ترک تحصیل فرزندان است.

گاهی اوقات فرزندان تحت تاثیر گروه های هم سن خود قرار میگیرند و انگیزه درس خواندن را از دست میدهند. نظام آموزشی ما نظام جذابی ندارد و محیط شاد و لذت بخشی برای دانش آموزان فراهم نمیکند .

فرزندان وقتی از مدرسه دور میشوند احساس خوشایندتری دارند و این خود از عوامل مهم ترک تحصیل است. شیوه ارزشیابی در نظام آموزش و پرورش ما بسیار نامناسب است که معطوف به آزمون سراسری دانشگاه ها نیز است که نمونه آنها در مدارس با شکل آزمون تیزهوشان، نمونه دولتی هیئت امنای و امثال اینها برگزار میشود، برخی مدیران و معلمین دانش آموزان را از آزمونهای سراسری میترسانند و این یک سیستم آموزشی غلط است شیوه ارزشیابی در نظام آموزشی ما شیوه خلاقیت کش و دفعی انفجاری است در سیستم کنکور ما فرد باید طی ۴ ساعت تمام داشته ها و تحصيلات خود را ارائه دهد و این یک اشتباه است که ظرف این مدت سرنوشت فرد تعیین میشود- چنین سبک ارزشیابی میزان ادامه تحصیل فرد را پایین میآورد و امکان ترک تحصیل را افزایش میدهد.

یکی دیگر از عوامل مهم در ترک تحصیل روش های تدریس معلم هست روش های تدریس معلم های ما معلم محور است معلم سخنگویی و سخنرانی میکند و دانش آموزان نوت برداری و یادداشت میکنند که این باعث خستگی و زدگی فرد شده و انگیزه دانش آموزان را کاهش میدهد.

والدین نباید دانش آموزان را مجبور به درس خواندن کنند و این کار باعث قرار گرفتن فرد در مسیر ترک تحصیل میشود. (۳۱)

نتیجه گیری:

ترک تحصیل زمانی در سراسر کشور پدیده ای بسیار شایع بود و با تصویب قانون اجباری کردن تحصيلات تا پایه نهم میزان کسانی که تحت پوشش آموزش و پرورش قرار می گیرند را افزایش داد و به تبع آن شاهد ترک تحصیل



کمتری بوده ایم. اما به هر حال بسیاری از والدین هنوز نگران ترک تحصیل هستند و علل و عواملی که وجود دارد این پدیده را هر چند کم اما همچنان پابرجا نگه داشته است.

لازم به ذکر است که تحقیق فوق از دیدگاه افراد غیر و خارج از دایره تحصیل انجام نگرفته است و گردآوری آن توسط دانشجویان در حال تحصیل انجام شده است. با توجه به پیامدهای و اثرات قابل توجه و زیانبار ترک تحصیل، رسالت پژوهش فوق بر این است که به بررسی تمامی جوانب این معضل چه در سطح خانواده و چه در سطح جامعه از زوایای مختلف بپردازد.

در یک بررسی کلی یافته های پژوهشی نشان داد، همه افراد به نحوی در طلب رسیدن به یک جایگاه اجتماعی مطلوب اند و وصول به این جایگاه اجتماعی مطلوب نیز از طرق مختلف اعم از: داشتن موقعیت شغلی مناسب، مدارج علمی بالا، ثروت، شهرت و... امکان پذیر است. در بررسی جزئیات رابطه مستقیم جایگاه اجتماعی مطلوب با مدارج علمی نشان داد که میان شرایط اقتصادی و ترک تحصیل نیز پیوستار مستقیمی وجود دارد در این پیوستار خانواده ها و دانش آموز هرگاه و در هر شرایطی عرصه اقتصادی را بر خود تنگ می بینند تصمیم و اقدام به ترک تحصیل می کنند.

راهکارهای پیشنهادی:

- ۱) اختصاص دادن بودجه های کمک تحصیلی به خانواده های کم بضاعت و ایجاد اشتغال بخصوص برای افراد تحصیل کرده جامعه.
- ۲) دادن مشاوره و راهنمایی های رایگان برای خانواده ها، جهت روشن سازی عواقب و آسیب های ترک تحصیل فرزندان.
- ۳) دوری از نظام معلم محور و فعال کردن دانش آموزان در امر یادگیری مشارکتی.
- ۴) ایجاد رابطه ی تنگاتنگ و محبت آمیز والدین و معلمان با دانش آموز و ارائه ی تشویق و تنبیه های اصولی و بیان علت تشویق و تنبیه در حضور جمع.
- ۵) پرهیز از قرار دادن امتحان به عنوان یک هدف (در واقع امتحان ابزار و وسیله ای برای سنجش و سنجیدن دانسته های دانش آموزان است).
- ۶) فرهنگ سازی در مورد بالا بردن سن ازدواج دختران و جلوگیری از ترک تحصیل آنها کمک به بالا بردن کیفیت زندگی قشر عظیمی از دختران میکند.



منابع:

- ۱- ممتاز نیوز (۱۳۹۴). ترک تحصیل دانش‌آموزان، مساله‌ای دردآور. سایت ممتاز نیوز. (<http://www.momtaznews.com>)
- ۲- فلیک، اووه (۱۳۹۱). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه: هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- ۳- گرنفل، مایکل (۱۳۸۹). مفاهیم کلیدی بوردیو. ترجمه: محمد مهدی لیبی، تهران، افکار.
- ۴- گلشن فومنی، محمد رسول (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران، نشر دوران.
- ۵- محمدپور احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش، جلد ۱. نشر جامعه‌شناسان.
- ۶- محمدپور احمد (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش، جلد ۲. نشر جامعه‌شناسان.
- ۷- محمدی، بیوک (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۸- نیومن، ویلیام لاورنس (۱۳۸۹). شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی. ترجمه: حسن دانایی فرد و سید حسن کاظمی، مهربان نشر
- ۹- عارفی، مرضیه (۱۳۸۳). شناسایی متغیرهای اثرگذار بر ترک تحصیل زود هنگام دختران دوره ی راهنمایی تحصیلی. پژوهش زنان، دوره ی ۲، شماره ی ۳.
- ۱۰- پوریان، محمود. چه کسی تحصیل را ترک میکند و چرا؟. پیوند ۱۳۸۳، شماره ی ۳۰۴
- ۱۱- متقی، شکوفه. یزدی، سیده منور. بنی جمال، شکوه السادات. درویزه، زهرا. (۱۳۹۳). ارتباط معلم- دانش آموز و تصمیم به ادامه یا ترک تحصیل: نقش واسطه‌ای نقش واسطه‌ای انگیزش خود تعیین‌گری و عملکرد تحصیلی. سال هشتم.
- ۱۲- یاراحمدی، یحیی. یوسفی، ناصر. شیربگی، ناصر. (۱۳۹۱). تدوین و آزمون یک مدل انگیزشی برای پیش‌بینی تصمیم دانش‌آموزان پایه ی سوم راهنمایی و اول دبیرستان مناطق روستایی شهرستان سنندج به ادامه یا ترک تحصیل در دوره ی دبیرستان. مجله ی دستاوردهای روان‌شناختی، دانشگاه شهیدچمران اهواز، دوره ی چهارم، سال ۱۹- شماره ی ۱
- ۱۳- مدرسی، مریم. خدانظر، رحمت زهی نوینی. (۱۳۹۷). بررسی رابطه ی ازدواج زودهنگام با ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر مناطق روستایی.
- ۱۴- خبرگزاری میزان. (۱۳۹۶). جامعه ی شهری سلامت رفاهی.
- ۱۵- انزابی، ابوالفضل. (۱۳۷۲). پژوهش بررسی علل مردودی و ترک تحصیل در پایه‌های اول ابتدایی و اول راهنمایی تحصیلی در مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی. وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده ی تعلیم و تربیت.



- ۱۸_ امجدیان، فیروز، صیدی، بهروز. (۱۳۸۰). بررسی عوامل موثر در ترک تحصیل
- ۱۹_ بازرگان، زهرا. (۱۳۸۴). جهانی شدن و تحول نقش مدیران آموزشی
- ۲۰_ پایگاه اطلاع رسانی حوزه. (۱۳۸۵). نگاهی بر نقش حرفه ای معلم در نظام آموزشی
- ۲۱_ سایت اینترنتی مشاور همکده.
- ۲۲_ دانش پژوه، زهرا. (۱۳۸۲). ارزشیابی مهارت های حرفه ای معلمان علوم و ریاضی در دوره ی راهنمایی و ارائه ی روش های ارتقاء کیفی آن.
- ۲۳_ حسینی، سیدخالد. (۱۳۷۵). بررسی رابط سنت ها و فرهنگ مردم در مورد ترک تحصیل دختران در منطقه ی دهگلان. شورای تحقیقات اداره ی کا آموزش و پرورش استان کردستان.
- ۲۴_ مجله ی توسعه ی محلی (روستایی شهری). دوره ی هشتم، شماره ی ۱، بهار و تابستان ۹۵
- ۲۵_ مجله ی دستاوردهای روانشناختی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ی ۴، بهار و تابستان ۹۱
- ۲۶_ علل ترک تحصیل به نقل از سایت: (amozeshkhanevadeh.blogfa.com)
- ۲۷_ شریفی یزدی، علیرضا. گفتگوی تحصیلی. هفته ی سوادآموزی
- ۲۸_ شارع پور. (۱۳۸۶) کمک به فهم زبان و موفقیت تحصیلی
- ۲۹_ سپیدنامه، بهروز و همکاران. (۱۳۹۵) شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش آموزان نواحی روستایی.
- ۳۰_ سپیدنامه بهروز، مومنی حسن، سلیمان نژاد. بهار و تابستان (۱۳۹۵). نشریه ی توسعه ی محلی و روستایی - شهری. دوره ی ۸ شماره ی ۱.
- ۳۱_ به نقل از: شریفی یزدی، علیرضا. (۱۳۹۸). شنبه ۷ دی. سایت فرهنگ سدید ([farhangesadid](http://farhangesadid.com))
- ۳۲_ طباطبایی، فرزاد. سایت حامی هنر زندگی. (<https://honarezendegi.com>)

9_ Mohammadi S. [Identification of elementary school student's drop out of Dehloran teacher]. IlamUniversity Publication;5111.(Persian).

10_ Vakilian M, Karbaschi M. [Preliminary guidance and counseling]. Tehran: PayamPress; 2008.P.280-1.(Persian)